



## حقوق متهم در قوانین ایران با نگرشی به فقه و اسناد بین الملل

پدیدآورنده (ها) : محمدی، سید محمد صادق

حقوق :: نشریه مطالعات حقوق :: زمستان ۱۳۹۹، دوره جدید - شماره ۱۲

صفحات : از ۱ تا ۲۲

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1888450>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۷/۲۵

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- قلمرو حقوق متهم تحت نظر در ایران در تطبیق با معیارهای حقوق بشری

## عناوین مشابه

- بررسی پاسخ های حقوق کیفری به اطفال و نوجوانان متهم در مرحله پیش دادرسی با مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و اسناد بین المللی حقوق بشری
- بررسی ضمانت های منع شکنجه در اسناد حقوق بین الملل بشر و مقایسه آن با قوانین و مقررات ایران
- استقلال؛ شرط ارجاع به داوری در قراردادهای بین المللی با مطالعه تطبیقی در حقوق بین الملل و حقوق ایران
- بررسی تدابیر عدم افشای هویت شاهد و حقوق دفاعی متهم از منظر قوانین جزایی ایران، افغانستان و اسناد بین الملل
- ایرادات قابل طرح در برابر اسناد تجاری در حقوق ایران با نگرشی بر کنوانسیون های بین المللی
- مبانی رویکرد حقوقی متن باز در اسناد بین المللی حقوق بشر و ارزیابی قابلیت استناد به آنها در فقه امامیه و حقوق ایران
- بازرسی منازل، اماکن و اشیاء اشخاص در حقوق کیفری ایران با رویکرد به اسناد بین المللی
- نگاهی کوتاه به احاله در حقوق بین الملل خصوصی با تأکید بر حقوق ایران
- بررسی ضوابط عام حاکم بر قراردادهای تضمینی توثیقی در تجارت بین الملل با نگاهی به حقوق ایران
- قوانین ناظر بر جرم قاچاق کودکان در ایران با توجه به اسناد بین المللی

## فصلنامه مطالعات حقوق

Journal of Legal Studies

دوره جدید. شماره دهم. پاییز ۱۳۹۹، صص ۲۲-۱

Vol 6, No 10, 2020, P 1-22

ISSN (2538-6395)

شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵)

### حقوق متهم در قوانین ایران با نگرشی به فقه و اسناد بین الملل

سید محمد صادق محمدی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران، ایران

#### چکیده

از لحظه ای که انسان‌های اولیه شروع به زندگی جمعی کردند درست همان زمان بود که حقوق انسانی متولد شد. از آن لحظه به بعد بود که این طفل تازه متولد شده در گذر زمان به بلوغ رسید و لازم بود تا با ترسیم چهارچوب‌هایی این حقوق مورد احترام قرار گیرد و موجبات همزیستی را فراهم آورد و تعدی به آن مستوجب تنبیه. این چهارچوب‌ها که در قالب قانون تعریف گردید در کشورهای مختلف به صورت‌های متفاوتی ترسیم شد و نوع و نحوه آن از کشوری تا کشوری دیگر تفاوت چشمگیری دارد و نهادهای واکنش اجتماعی از قبیل پلیس و دادگاه وزندان جهت حفاظت از این قوانین بوجود آمد. دادگستری مکلف شد تا به تعدیات نسبت به قانون رسیدگی کند و در این بین از پلیس وزندان به عنوان بازوان توانمندی جهت مهار جرم و جنایت بهره گیرد. دادگستری به منظور رسیدگی به این مهم از قسمت‌های مختلفی تشکیل شد که هر کدام از این قسمت‌ها به صورت تخصصی عهده دار انجام اموری گردید که سر جمع موضوع سراسر در راستای فرآیند رسیدگی قرار می‌گیرند. نکته مهمتر اینجاست که هر کدام از مراجعه‌کنندگان به دادگستری حقوقی دارند که شاید بعضاً از آن بی‌اطلاع باشند اما وظیفه دادگستری بصورت عام و دادگاه و دادسرا بصورت خاص احترام به این حقوق و پاسداشت آنها است اشخاصی از جمله بزه‌دیده و بزه‌کار و شاهد و مطلع و قاضی و پلیس همگان دارای حقوقی هستند که احترام به آنها در زمره قوانین آمره است. یعنی تخطی از آنها توسط نهاد واکنش مستوجب تنبیه است. این مطالعه حقوق متهم در مراحل مختلف دادرسی از لحظه توقیف گرفته تا اجرای مجازات را با نگرش به فقه و اسناد بین الملل مورد بررسی قرار داده است.

**واژه‌های کلیدی:** حقوق متهم، فقه، اسناد بین الملل



مقدمه

مفهوم و جایگاه انسان در مکتب‌های فکری از اهمیت بسیاری برخوردار است. اسلام به عنوان کاملترین دین حقوق انسانی را به کاملترین شکل در سندی به نام قرآن گرد آوری نموده است. سندی که مبنای حکمرانی پیامبران و معصومین بوده و جلوگاه برترین نوع احترام به ذات انسانی است که در آن بزرگ و کوچک وزن و مرد و سیاه و سفید و برده و مولا هر کدام شایسته احترام می‌باشند. این واژه در کتاب‌های فقهی گاه مفهوم وسیعی دارد و تمام احکام وضعی و تکلیفی و تأسیسی و امضایی را در برمی‌گیرد و در مواردی نیز حق در برابر حکم قرار گرفته است. مرحوم نائینی می‌نویسد: (اگر مجعول شرعی به دنبال خود اضافه و سلطه نداشته باشد حکم است و نام گذاری آن به حق، به لحاظ معنای لغوی آن است).<sup>۳</sup> علامه بحر العلوم می‌نویسد: (حق، قدرتی است اعتباری و قراردادی که به موجب آن یک انسان بر مالی یا شخصی یا هر دو مسلط می‌گردد؛ مانند عین مستأجره، که مستأجر نسبت به یکی از اموال مخصوص موجد سلطنت دارد). آیت‌الله جواد تبریزی: حق، نسبت خاص و سلطنت مخصوصی است که به دو طرف، کسی که حق به نفع اوست و کسی که حق به ضرر اوست استوار است. و کسی که حق به نفع اوست حاکم خواهد بود. شیخ انصاری در مکاسب، «حق» را به توانایی و سلطنت فعلی تعریف می‌کند (۲). متهم در لغت عرب بر وزن محترم از مادهی «وهم» است. طریحی در تعریف وهم می‌گوید: «وهم عبارت است از سهو و آنچه که در خاطر و خیال واقع می‌شود». در تعریف دیگر از مادهی وهم آمده است: «تصور و تخیل چیزی در ذهن؛ خواه آن چیز که در عالم خارج وجود داشته و خواه نداشته باشد. در مورد معنای لغوی متهم آمده: «متهم مأخوذ از لفظ «تهمه» کسی که مورد اتهام واقع شده می‌باشد» (طریحی، ۱۳۸۲). متهم در زبان فارسی به معنای «به بدی شناخته شده و مورد تهمت قرار گرفته شده» معنا شده است (لغت‌نامه دهخدا ۳۸۳/۴۲؛ فرهنگ فارسی/ ۳/ ۳۸۵۰). در نظام دادرسی اسلامی و عرف فقها از متهم با عنوان مدعی علیه در برابر مدعی تعبیر می‌شود؛ البته با این تفاوت که در حقوق عرفی، عنوان متهم تنها مشمول دعاوی کیفری شده و در دعاوی مدنی، علیه متهم با عنوان خوانده دعوا می‌شود؛ ولی عنوان مدعی علیه در حقوق اسلامی عام بوده و شامل هر دو - دعاوی مدنی و کیفری، می‌شود تشخیص و تعریف مدعی علیه، ضمن تعریفی که فقها از مدعی ارائه کرده‌اند به دست می‌آید. مشهور فقها در تشخیص مدعی از مدعی علیه سه معیار را بیان کرده‌اند که عبارتند از: «المدعی هم الذی یترک لو ترک الخصومه أو هو الذی یخالف قوله الاصل أو هو الذی یدعی خلاف الظاهر» (موسوی اردبیلی، ۱۴۰۸). بر پایه‌ی تعاریف یاد شده از مدعی، مدعی علیه کسی است که در برابر این مفاهیم قرار دارد یعنی کسی که سخن او موافق با اصل و ظاهر بوده و اگر دعوا و منازعه را ترک کند، دعوا پایان نمی‌یابد. به نظر برخی از فقهای معاصر، شارع مقدس برای این دو لفظ، اصطلاح خاصی به صورت حقیقت شرعی یا مجاز شرعی ندارد (ر. ک: جواهرالکلام/ ۴۰/ ۳۷۱)؛ تحریرالوسیله ۴۱۰/۲؛ تفصیل الشریعه/ ۸۵ به نقل از براری لاریمی، محمد، حقوق متهم با رویکرد فقهی، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۳۸۹، صص ۲۳-۵۱. براساس این دیدگاه، تعریف‌ها با تعابیر نزدیکی



که از سوی فقهای سلف برای مدعی و مدعی علیه بیان شده، تمام آن‌ها مربوط به تشخیص مورد مدعی از مدعی علیه است و باید برای تشخیص مدعی از مدعی علیه به عرف رجوع کرد. متهم کسی است که گمان می رود از ناحیه وی یک یا چند جرم واقع شده است ولی هنوز این ادعا ثابت نشده است و ممکن است بی گناهی او احراز شود و با توجه به این که جرم مشهود بوده یا غیرمشهود محدودیت‌هایی بر متهم اعمال می شود که چون هنوز حکم بر مجرمیت او ثابت نشده باید اصل را بر برائت او گذاشت و دایره محدودیت‌ها (برای مثال قرارهای تامین وفق مواد ۲۱۷ به بعد ق. آ. د. ک مصوب ۱۳۹۲) مضیق باشد. متهم غیر از مجرم است و چه بسیار متهمانی که در دادگاه های بدوی و تجدیدنظر تبرئه می شوند. توجه دقیق و گسترده جهانی به موضوع یاد شده را می توان پس از جنگ دوم جهانی و نقض گسترده حقوق و کرامت انسانی در سطح جهان ملاحظه کرد. در این سال‌ها منشور ملل متحد و اعلامیه اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و بعدها اعلامیه آمریکایی حقوق بشر و اعلامیه افریقایی حقوق بشر و ملت‌ها به تصویب رسید. در سال ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد اقدام به تصویب میثاق حقوق مدنی و سیاسی نمود. مقررات بسیاری در زمینه حقوق بشر و حقوق متهم در سال های بعدی تصویب گردید. نگاهی به تاریخچه بحث در حقوق ایران را در دو بعد می توان منظور نظر قرار داد: نخست قبل از انقلاب مشروطه و نبود سیستم قانون گذاری به معنای امروزی؛ که در این مقطع «گرچه برخی از معیارهای راجع به حقوق متهم مانند اصل برائت و بی طرفی دادگاه از دیرباز در منابع شرعی و متون فقهی مورد توجه و حمایت بوده است با این همه مطالعات تاریخی نشان می دهد که به دلیل عدم بازرسی و نظارت بر اقدامات و تصمیمات قضایی و فقدان ضمانت اجرای تخلف از توصیه های شرعی ناظر به حقوق متهم نمی توان ادعا کرد که محاکمات جزایی عملاً به نحوی منصفانه و با رعایت حقوق دفاعی متهم صورت گرفته است.» دوم بعد از انقلاب مشروطه و حکومت سیستم قانون گذاری در ایران؛ «تا قبل از انقلاب مشروطه اصلاً قانونی (به معنای اروپایی آن) وجود نداشت که بخواهند افراد در مقابل آن برابر باشند، به دیگر سخن قانون خود بیانگر امیال شخصی قدرتمندان بود که هر یک بنا بر جایگاهش می توانست با افراد مختلف در زمان های مختلف به گونه های مختلف رفتار کند. بدین سان قانون همانقدر متغیر بود که قانون گذار و منابع و روحیات و حالات او. انقلابیون با مبارزه علیه استبداد برای [حاکمیت] خود قانون نبرد می کردند.» و این نبرد منجر به پیروزی و تصویب اولین قانون اساسی ایران در سال ۱۲۸۴ خورشیدی شد. بعد از انقلاب ۱۳۵۷ ایران با تصویب قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ اصول کلی حقوق دفاعی متهم در اصول سی و دوم تا سی و نهم و اصول یکصد و شصت پنجم تا یکصد و هفتاد و یکم مورد تاکید قرار گرفت و الزام به مراعات آنها در دادرسی های کیفری گوشزد شده است. در تدوین قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری در سال ۱۳۷۸ و ۱۳۹۲ و قانون رعایت حقوق شهروندان و احترام به آزادی های مشروع در سال ۱۳۸۳ به اصول مورد نظر این پژوهش اندک توجهی شده است.



### حقوق متهم در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

امنیت عبارت است از «اطمینان خاطری که بر اساس آن، افراد در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند در حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند» (هاشمی، ۱۳۸۴، ص ۲۷۶). لذا تحقق این حق مستلزم وجود دو تضمین اساسی است.

۱- تضمین امنیت افراد در مقابل هر نوع تعرض غیرقانونی؛

۲- تضمین امنیت شهروندان از طریق حمایت‌هایی که توسط جامعه برای هریک از اعضای خود به منظور حفظ حقوق و آزادی‌های افراد اعمال می‌شود (همان).

به این ترتیب امنیت برای افراد و دولت ایجاد تکلیف می‌کند. بدین معنی که افراد مکلفند حقوق مادی و معنوی یکدیگر را مورد احترام قرار دهند و دولت نیز موظف است اولاً با وضع قانون و تأسیس تشکیلات اداری و قضایی برای مردم ایجاد امنیت کند؛

ثانیاً: خود نیز با تسلیم در برابر اصل حاکمیت قانون، حقوق و آزادی‌های شهروندان را محترم شمرده و به آن تعرض ننماید (همان، ص ۲۷۷).

قانون اساسی ایران نیز تأمین حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه را از وظایف کلی دولت محسوب نموده و در فصل سوم (حقوق ملت) با ذکر جلوه‌هایی از حق بنیادین امنیت، تضمین‌هایی را برای احیا و استمرار آن مقرر داشته است. یکی از مهمترین شعبه‌های این حق، حق دفاع متهم از خویش در رد دعوی یا اتهام‌های ناروا نزد مراجع قضایی است. به عبارت دیگر حق دفاع، حقی است که به موجب آن شخص می‌تواند رفتار مجرمانه یا ادعاهای حقوقی علیه خود را که بر اساس شکایت اشخاص و یا از سوی مقامات ذیصلاح انتظامی و قضایی به وی منتسب گردیده، با همه امکانات و طرق قانونی رد و انکار نماید (مؤذن‌زادگان، ۱۳۷۷، ص ۳). برای تحقق دادرسی عادلانه نیازمند اجرای اصول و قواعد چندی در مراحل پنجگانه آیین دادرسی یعنی کشف جرم، تعقیب، تحقیقات مقدماتی، دادرسی و اجرای حکم هستیم. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حمایت از حق دادخواهی و دفاع برای شهروندان از طریق دادگستری شایسته، استقلال قضایی و مسئولیت قضات و دستگاه قضایی و عدالت کیفری از طریق اجرای اصل برائت، تعقیب قانونی و اصل محاکمه عادلانه در ق.ا.ج.ا.ا. تضمین گردیده است.

### حقوق متهم در مرحله کشف جرم

کشف جرم عبارت است از اقدام‌هایی که پس از اطلاع از وقوع جرم برای حفظ آثار و دلایل موجود، دستگیری متهم و جلوگیری از فرار وی و نیز جمع‌آوری اطلاعات مربوط به بزه ارتکابی انجام می‌شود. این امر زیر نظر مقام قضایی بر عهده ضابطان دادگستری است. متهم در این مرحله دارای امتیازها و حقوق ذیل است که او را در برابر تعرض پلیس باز می‌دارد:



– احضار یا جلب متهم به وسیله احضارنامه یا برگه جلب؛ اصولاً احضار یا جلب متهم به وسیله احضارنامه یا برگه جلب و به موجب دستور مقام قضایی امکان پذیر است. اختیارات پلیس در مرحله کشف جرم با تمیز جرایم مشهود و غیرمشهود متفاوت است. بر اساس ماده ۲۴ ق. ا. د. د. ع. ا. ک در جرایم مشهود مأموران پلیس حق دخالت داشته و به جهت حفظ آثار جرم و دستگیری متهم اقدام و متهم را ظرف ۲۴ ساعت نزد مقام قضایی حاضر می نمایند.

– منع تعقیب و توقیف خودسرانه؛ پس به همان اندازه که دولتها متعهد به احترام به حقوق و آزادی های افرادند، مبارزه با مجرمان برای حفظ نظم جامعه نیز از اهم تکالیف حکومتی به شمار می رود. اما در تلفیق بین حرمت اشخاص و نظم جامعه باید توجه داشت که آزادی به عنوان حق طبیعی رایج و متداول است و تعرض به نظم جامعه امری استثنایی به شمار می رود که در این صورت تعقیب و دستگیری افراد متعرض باید منطقی، توجیه پذیر و بر اساس ضوابط قانونی باشد (هاشمی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۸). مطابق با صدر اصل سی و دوم قانون اساسی «هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند». شخص توقیف شده با استناد به مواد ۵۷۲ تا ۵۷۵ ق. م. ا که ضمانت اجرای کیفری توقیف غیرقانونی افراد توسط ضابطان دادگستری یا مأموران نیروی انتظامی و فرد ممتنع از رسانیدن تظلمات فرد توقیف شده به مقامات ذی صلاح می باشد، حق شکایت علیه فرد خاطی را دارد.

– اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها، افراد را تنها می توان برای ارتکاب اعمالی که در قانون دارای ضمانت اجرای مجازات یا اقدامات تأمینی است، مورد تعقیب قرار داد. عدالت حکم می کند تا در جهت مصونیت جان و مال و حیثیت افراد از تعرض، هیچ عملی جرم محسوب نشود مگر آنکه قبلاً به موجب قانون جرم تلقی شده و مجازاتش نیز تعیین شده باشد. به موجب اصل ۱۶۹ ق. ا. ج. ا. هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است، جرم محسوب نمی شود و همچنین اصل ۳۸ نیز مقرر می کند «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد». این اصل در ماده ۶۳۸ ق. م. ا که اعمال حرام علنی را که نفس آن قابل جرم نبوده ولی عفت عمومی را جریحه دار می کند، قابل مجازات دانسته، نقض گردیده است.

– احترام به حیثیت ذاتی افراد؛ متهم حق برخورداری از رفتاری منطبق با حیثیت ذاتی انسان را دارد. قانون اساسی در اصل ۳۹ مقرر می دارد هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد، ممنوع و موجب مجازات است.

– حق سکوت؛ امروزه در بسیاری از کشورهای جهان نه تنها حق سکوت متهم به رسمیت شناخته شده بلکه پلیس قضایی مکلف است پس از احضار یا جلب متهم علاوه بر استعلام هویت و اعلام صریح اتهام، متذکر شود که متهم الزامی به پاسخگویی ندارد؛ اما اگر حرفی بزند، ممکن است در صورت جلسه درج گردیده، متعاقباً علیه وی استفاده شود. این حق در راستای اعطای آگاهی به متهم در خصوص اظهارات نسنجیده ای



است که ممکن است وی بیان کند. طبق ماده ۱۹۵ ق. آ. د. ک ۱۳۹۲ قاضی مکلف است قبل از آغاز تحقیقات به متهم اعلام نماید «مواظب اظهارات خود باشید».

ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: بازپرس پیش از شروع به تحقیق با توجه به حقوق متهم به وی اعلام می‌کند مراقب اظهارات خود باشد. ....

ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: متهم می‌تواند سکون اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورت مجلس قید می‌شود.

– تفهیم اتهام؛ هر متهمی باید از ماهیت جزایی جرم خود قبل از شروع تحقیقات مطلع گردد تا بدین وسیله بتواند وسایل دفاع مناسب را تهیه نماید. از این حق تحت عنوان حق تفهیم اتهام یاد می‌شود و باید در برگ احضاریه قید گردد. و به محض حضور متهم در نزد پلیس، به وی اعلام گردد که اتهام او چیست؟ اصل سی و دوم در این رابطه چنین مقرر می‌کند «موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود».

### حقوق متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی

در این مرحله، که مهمترین مرحله دادرسی است و بنیان پرونده جزایی را تشکیل می‌دهد، سه گروه از اعمال انجام می‌گیرد:

الف) جمع‌آوری ادله له و علیه متهم.

ب) اقدام‌های لازم برای جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم از طریق صدور قرار تأمین متناسب.  
ج) اظهارنظر درباره جرم ارتكابی در قالب یکی از قرارهای منع تعقیب، موقوفی تعقیب یا قرار مجرمیت.  
البته در این مرحله نیز باید اصول مربوط به احضار یا جلب متهم و غیره که قبلاً آمد به علاوه موارد زیر رعایت گردد:

**الف) حق همراهی توسط وکیل دادگستری:** متهم باید حق داشته باشد که به اتفاق یک وکیل نزد مقام تحقیق‌کننده حاضر شود. تحقیقات باید در حضور وکیل به عمل آید و محرمانه تلقی نشود. در موارد کاملاً استثنایی نیز که بازپرس اخذ پاره‌ای از توضیحات را بدون حضور وکیل ضروری بداند، باید پس از تصویب دادستان اجازه این کار از دادگاه صالح کسب شود. در اولین فرصت مناسب باید این امر بر طرف گردد (شیرازی، ۱۳۷۲، ص ۷).

**ب) اعطای فرصت کافی برای دفاع:** حق دفاع از طبیعی‌ترین حقوق فردی است؛ لذا در طول مدت تحقیقات مقدماتی و دادرسی و قبل از صدور حکم، باید فرصت کافی به متهم جهت تدارک وسایل دفاعی داده شود. در صورتی که متهم بازداشت شود، امکان تهیه اسناد و مدارک و گفتگو با شهود به وی اعطا شود و در دادگاه نیز از فرصت کافی برای رد اتهام‌های وارده استفاده کند و حق پژوهش‌خواهی و





فرجام برای وی تضمین شود و بین تاریخ وقوع بزه و محکومیت قطعی بزهارکار باید فاصله‌ای معقول و مناسب وجود داشته باشد.

**ج) قواعد حاکم بر جمع آوری ادله:** مصونیت زندگی خصوصی متهم از جمله مسائل مهمی است که باید به دقت مورد توجه مقامات قضایی و ضابطان دادگستری قرار گیرد؛ زیرا کوچکترین مسامحه در جمع آوری ادله و کشف جرم موجب تضییع حقوق و آزادی‌های اساسی متهم می‌شود. امروزه علوم مثل انگشت‌نگاری، اسلحه‌شناسی، تشخیص هویت ژنتیکی و استفاده از کامپیوتر در جهت شناسایی متهم از چنان تحول و پیشرفتی برخوردارند که ضریب اطمینان بالایی را در زمینه کشف دقیق و سریع جرم ایجاد می‌نمایند. باید توجه داشت ضرورت رعایت حقوق دفاعی متهم در مقطع کشف جرم ایجاب می‌نماید که از پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک غیراصولی و غیرانسانی استفاده نشود. در واقع مرز استفاده از علوم و فنون جرم‌یابی، حقوق و آزادی‌های متهم است.

**۱- اصل برائت:** اصل برائت به عنوان یکی از اصول پیشرفته و مهم در دعاوی کیفری شناخته شده است که علاوه بر مقررات بین‌المللی در قوانین کلیه کشورها به ویژه در قوانین اساسی به صورت مختلف پیش‌بینی شده است. لذا باید این اصل به نحوی تضمین شود که جلوی تجاوزات خودسرانه مأموران دولت را بگیرد. هرچند برخی مواقع مصالح و منافع ملی و حفظ ثبات و صلح و آرامش مجوز صدور برخی بازداشت‌هاست، اما باید این موارد به نحو دقیق و کاملی در موارد اضطراری ملی و کوتاه‌مدت صورت پذیرد. ق. ا. ج. ا. نیز در اصل ۳۷ با صراحت اعلام می‌دارد اصل برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

**۲- منع شکنجه:** در طول تاریخ افرادی بوده‌اند که با اصالت بخشیدن به اجتماع و منفعت جمع و مصالح حکومت، حقوق و آزادی‌های فردی را به دست فراموشی سپرده‌اند. از این رو هنگامی که تعارضی میان منافع دولت از جمله حفظ آن با مصالح انسانی مانند احترام به حقوق و آزادی‌های فردی پیش می‌آید، از انکار این حقوق و فدا کردن آن هیچ ابایی ندارند. شیوه حل این تعارض زمانی نگران‌کننده است که مسأله شکنجه به میان می‌آید. به موجب اصل ۱۳۸ ق. ا. ج. ا. «هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است و اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است». علاوه بر هر گونه اذیت یا آزار بدنی فرد که اعلای شکنجه می‌باشد، انجام هر اقدامی که عرفاً اعمال فشار روانی بر زندانی تلقی شود، نیز می‌تواند از مصادیق شکنجه باشد، هم چون نگهداری زندانی به صورت انفرادی یا نگهداری بیش از یک نفر در سلول انفرادی، چشم‌بند زدن به زندانی در محیط زندان و یا بازداشتگاه، بی‌خوابی دادن به زندانی و بازجویی در شب، فحاشی، به کار بردن کلمات رکیک، فشار روانی به زندانی از طریق اعمال فشار به اعضای خانواده زندانی، ممانعت از ملاقات متهم با وکیل و ممانعت از انجام فرایض مذهبی که تماماً نقض حقوق و آزادی‌های انسانی می‌باشد. تزیق انواع مواد مخدر و خواب‌آور به بدن متهم که موجب می‌شود وی مکنونات قلبی خود را بدون اراده بیان



نماید نیز از انواع شکنجه و ممنوع است (سرشار، ۱۳۷۱، ص ۸). اصل ۳۸ ق. ا. ج. ا. این امر را به خوبی مورد التفات قرار داده است.

**۳- مکانیزم‌های محو انواع شکنجه:** برای تضمین جلوگیری از اجرای شکنجه و حمایت از بازداشت شدگان و مأموران انتظامی که تحت امر مقامات مافوق ممکن است متوسل به شکنجه شوند، مکانیزم‌هایی پیش‌بینی شده است. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف) محکومیت رسمی شکنجه.

ب) محدودیت مدت اخفای متهم.

ج) منع شکنجه به موجب قوانین ملی.

د) بازدید منظم از بازداشتگاه‌ها.

ه) ابلاغ حقوق بازداشت‌شدگان.

و) تفکیک وظایف بازداشت‌کنندگان و بازجویان.

ز) بی‌ارزش و بی‌اعتبار شناختن اظهارات زیر شکنجه.

ح) آموزش مجریان قانون.

ط) جبران خسارت. پروتکل اختیاری میثاق حقوق مدنی و سیاسی به کمیته حقوق بشر اجازه داده تا به شکایات مدعی شکنجه شدن رسیدگی کند. این امر کمک شایانی به دولت‌ها برای حفظ احترام به حقوق اتباعشان می‌کند.

ی) الحاق به معاهدات و تصویب اسناد بین‌المللی.

قطعنامه سازمان ملل مربوط به نظام‌نامه رفتاری برای مسؤولان اجرای قانون ۱۹۷۹م و مصوبه شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل مربوط به مجموعه قواعد حداقلی برای رفتار با بازداشت‌شدگان ۱۹۵۷م از دولت‌ها خواسته تا با استفاده از معیارهای مندرج در آنها محدوده وظایف مأمورانی را که به نحوی با بازداشت‌شدگان در ارتباطند، تعیین کنند.

**۳-** منع مداخله خودسرانه در مسکن، زندگی خصوصی، مراسلات؛ در قوانین ایران بر ضرورت احترام به حریم خصوصی تأکید شده که از جمله می‌توان به ماده ۵۸۲ ق. م. ا اشاره نمود که بازرسی و نرساندن‌نامه‌ها و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای محاورات، تلگراف و تلکس، سانسور و عدم مخابره آنها و استراق سمع و هر گونه تجسس را ممنوع کرده، مگر آنکه به حکم قانون صورت گیرد.

**۴-** صدور قرار تأمین متناسب با اتهام و وضعیت متهم؛ از جمله مهمترین اقدامات مقام قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی صدور قرار تأمین می‌باشد که در ق. آ. د. ع. ا. ا. ک عبارتند از التزام به حضور با قول شرف؛ التزام به حضور با تعیین وجه التزام؛ اخذ کفیل با تعیین وجه الکفاله؛ اخذ وثیقه؛ بازداشت موقت. قرار بازداشت موقت مهمترین و شدیدترین اقدام تأمینی نسبت به آزادی‌های فردی است که در مدت تحقیقات مقدماتی و گاه تا پایان رسیدگی به شرطی که کمتر از حداقل حبس باشد، ادامه می‌یابد و اقدامی



مغایر با اصل برائت است (ماده ۳۴۴ آ. د. ک)، چرا که زندان جایگاه مجرمان محکومیت یافته است. از معایب این قرار تأمین می‌توان به سلب آزادی فرد، ایراد ضرر و زیان مادی و معنوی به متهم، از دست دادن شغل و از هم گسیختگی خانواده وی اشاره نمود. در حقوق ایران بر اساس مواد ۱۳۰ ق. آ. د. ک و ۳۶ آیین‌نامه دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت در صورت تخلف بازپرس از این شرایط وی قابل تعقیب انتظامی و محکومیت از درجه ۴ به بالا خواهد بود. با توجه به اهمیت بازداشت موقت که نوعی سلب آزادی است، رعایت شرایطی الزامی است که باید در متن قوانین آیین دادرسی مورد تقنین قرار گیرد که از آن جمله موارد زیر بیان می‌گردد: در صدور قرار بازداشت موقت باید نظر موافق دادستان کسب گردد و در صورت اختلاف نظر بین دادستان و بازپرس، باید دادگاه صالح حل اختلاف نماید. قرار بازداشت متهم و حق اعتراض به آن باید به وی ابلاغ گردد و دفتر مخصوصی جهت ثبت مشخصات افراد بازداشت‌شده و تاریخ شروع بازداشت آنان باید در بازداشتگاه موجود باشد. این مدت باید در صورت محکومیت وی به زندان در رابطه با همان جرم در ایام محکومیت احتساب گردد. متهم حق دارد از قرار صادر شده شکایت کند و این حق باید در متن قرار تصریح گردد. هر زمان علت توقیف، زایل شود باید از توقیف رفع اثر گردد. متهم نیز حق دارد از مقام قضایی تقاضا کند تا در صورت رفع علت بازداشت، قرار آزادی او را صادر نماید. اگر بازپرس قرار منع تعقیب صادر نماید یا دادگاه او را تبرئه کند، در ضمن همان قرار یا حکم قرار تأمین الغا می‌شود. اینکه متهم در بازداشت است، برای تسریع در دادرسی و حفظ حقوق وی باید در کیفرخواست دادستان قید و تصریح گردد. بازداشتی، حق دارد از وسایل خواب، بهداشت، آموزش و پرورش و تربیت بدنی برخوردار باشد. فرایض دینی خود را انجام بدهد و از برنامه تفریحات سالم مورد تأیید مسئولان استفاده کند. از غذای زندان که طبق برنامه و به تناسب فصل تهیه می‌شود، بهره برد و چنانچه بیمار است با تجویز پزشک از غذای خاص بیماران استفاده کند؛ لباس مخصوص زندان را بپوشد که لباس متهم و محکوم با علامت خاص مشخص و متمایز است. در مورد نگهداری یا ارسال وجوه نقدی و لوازم شخصی او به افراد مورد نظر وی اقدام لازم به عمل آید و در حدود ضوابط در خواست انتقال نماید. زندانیان زن، می‌توانند اطفال خود را تا دو سال تمام همراه داشته باشند. اطفال دو تا پنج سال منفک و در مهد کودک نگهداری می‌گردند و یا به مؤسسات نگهداری اطفال سپرده می‌شوند. بازداشتی جز به درخواست خود و با موافقت دادستان ملزم به کار نیست. امروزه در بسیاری از کشورهای مرفعی جهان توجه قانونگذاران به این امر معطوف شده است که علاوه بر در نظر گرفتن حقوق و منافع متهم زندان‌ها را از وجود متهمانی که منتظر فرا رسیدن زمان محاکمه خود هستند، حتی‌المقدور خالی کنند. برای این منظور از کنترل قضایی استفاده می‌نمایند که به معنای جایگزین ساختن امکانات و تأمینات متنوع دیگر به جای بازداشت می‌باشد. به کارگیری آنها در کشورهایی چون فرانسه، آلمان، بلژیک و ایتالیا معمول است.



۵- **اظهار نظر نهایی:** اظهار نظر نهایی که از طریق صدور قرار نهایی صورت می‌گیرد، پایان تحقیقات مقدماتی را نشان می‌دهد و در قالب قرار موقوفی تعقیب، منع تعقیب و قرار مجرمیت تجلی می‌یابد. در راستای حفظ حقوق شاکی خصوصی باید قرارهای موقوفی و منع تعقیب قابل تجدیدنظر باشد که این امر در بند ن ماده سه ق. ت. د. ع. ا به درستی لحاظ شده است. مضافاً اینکه کلیه احکام مزبور باید مستدل و موجه باشند.

### حقوق متهم در مرحله تعقیب جرم

تدارک و طرح دعوی علیه شخصی است که به عنوان متهم در ارتکاب جرم دخالت داشته است که بر عهده مقام تعقیب است. موضوعات ذیل ضامن دادرسی منصفانه در این مرحله است: تفکیک مقام تحقیق از مقام دادرسی؛ یکی از اصول پذیرفته شده در بسیاری از نظام‌های حقوقی است. تحقق یک محاکمه عادلانه با برداشتن مرز بین قاضی و دادستان هرگز به منصفانه ظهور نخواهد رسید. افشای پرونده تحقیقات برای متهم؛ پرونده دادستانی برای متهم باید پیش از آغاز مرحله دادرسی در دادگاه برای متهم افشا شود. لااقل در مرحله اخذ آخرین دفاع از متهم در دادسرا محتویات پرونده و اسناد و مدارک دادستان باید کلاً برای بازرسی و تنظیم مدافعات در اختیار متهم و وکیل وی قرار داده شود و نباید هیچ نکته‌ای که در گرفتار ساختن متهم مؤثر باشد، از او پوشیده بماند. فی الواقع متهم قبل از محاکمه حق دارد از مفاد پرونده به نحو مقتضی اطلاع حاصل نماید. طبق ماده ۷۳ ق. آ. د. ک شاکی می‌تواند در صورت عدم تعارض با محرمانه بودن مفاد پرونده با هزینه خود از پرونده رونوشت تهیه کند. ماده قانونی در مقام بیان نسبت به متهم سکوت اختیار نموده است.

### حقوق متهم در مرحله دادرسی

چهارمین مرحله رسیدگی به پروسه رسیدگی به جرم است، دادگستری به عنوان مرجع تظلمات عمومی باید در مقام رسیدگی به دعاوی و صدور حکم، نقاب از چهره فرشته عدالت برکشیده و با تمام توان در جهت تحقق عدالت کوشش نماید. بدیهی است حصول این نتیجه مستلزم رعایت تشریفات است که بدون آنها امکان تحقق محاکمه‌ای مبتنی بر معیارهای عادلانه میسر نمی‌باشد. شرایط برقراری محاکمه‌ای منصفانه به شرح زیر است:

دادرسی فوری و بدون تأخیر ناموجه؛ دادرسی باید فوری و بدون تأخیر صورت پذیرد. در این صورت محاکمه متهم پاسخی به اختلال ناشی از جرم است که دامان جامعه را فرا گرفته است. در دادگاه ابتدا پس از استعلام هویت متهم باید کیفرخواست علیه او قرائت گردد تا اتهام مورد نظر به وی تفهیم گردد. در این مرحله تنها به اتهام‌هایی که در مرحله تحقیقات مقدماتی مطرح بوده، رسیدگی می‌شود. شرایط دادرسی نیز عبارتند از برگزاری دادگاهی مستقل، قانونی و بی‌طرف، علنی بودن جلسه دادگاه، حضور هیأت منصفه



حداقل در جرایم سیاسی و مطبوعاتی، همراهی متهم به وسیله وکیل دادگستری و بهره‌مندی وی در صورت نیاز از یک نفر مترجم و برقراری آیین دادرسی خاص کودکان و نوجوانان به جهت شرایط خاص ایشان و انطباق دادرسی با آموزه‌های جرم‌شناسی است که در ذیل به برخی از آنان اشاره می‌گردد. بر اساس اصل سی و دوم ق.ا.ج.ا. «حداکثر ظرف ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالح قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد». دادگاه قانونی؛ محاکمه باید در دادگاهی صورت پذیرد که به موجب قانون اساسی یا دیگر قوانین کشور تعیین شده و عمومی می‌باشد. دادگاه‌های اختصاصی یکی از موارد ناقض حقوق بشر است. دادگاه باید کاملاً بی‌طرف بوده و تحت تأثیر و نفوذ هیچ عاملی حتی جو حاکم بر جامعه قرار نگیرد. دادرسی باید مستقل و به دور از زد و بندهای اداری، مالی و سیاسی باشد و به هیچ چیز جز اجرای عدالت، انصاف و اجرای قانون که خواست واقعی جامعه است، نیندیشد. در نظام حقوقی ایران به موجب اصل ۱۵۶ ق.ا.ج.ا. «قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت است». بنابراین قضاوت در انجام وظیفه دادرسی و احقاق حقوق شهروندان نباید تحت فشار و اعمال نفوذ دیگر قوای حاکم باشند؛ زیرا ممکن است دستگاه‌های عمومی به ویژه قوه مجریه با مستمسک قرار دادن مصالح عمومی در مقابل احکام صادر شده از سوی دستگاه قضایی ایستادگی کنند. اصل تفکیک قوا که در اصل ۵۷ ق.ا.ج.ا. آمده تأمین‌کننده این مقصود است. همچنین اصل تضمین امنیت شغلی قضات نیز از جمله راه‌کارهایی است که دادرسان با دارا بودن آن بدون هیچگونه دغدغه خاطری قادر به رسیدگی و صدور احکام مستدل و مستند خواهند بود (هاشمی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۴). اصل یکصد و شصت و چهارم در این زمینه ترتیباتی را مقرر داشته است. همچنین طبق اصل ۱۶۶ ق.ا.ج.ا. «احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است». برگزاری علنی جلسه دادرسی؛ این مورد یکی از تضمین‌های مهم در جهت تحقق امنیت قضایی است. بدین معنا که مردم باید بتوانند در جلسات دادرسی حضور داشته باشند تا عملکرد دستگاه قضایی تحت نظارت مستقیم افکار عمومی قرار گیرد و از گرایش به انحراف مصون ماند. همچنین تجربه تاریخی نشان داده که محاکمات سری در دادگاه‌ها منجر به تضییع حقوق اشخاص می‌شود. به موجب اصل یکصد و شصت و پنجم قانون اساسی «محاکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است، مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد». حضور هیأت منصفه؛ به نظر علمای دادرسی حضور هیأت منصفه به عنوان گروهی که از متن جامعه به عرصه قضاوت می‌آیند، موجب تقویت و حمایت هر چه بیشتر نظارت و مشارکت مردمی در حفظ و حراست از حقوق و آزادی‌های اساسی اشخاص در طول محاکمات کیفری محسوب می‌شود. حضور هیأت منصفه در جریان رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی تضمین قابل توجهی در حفظ حقوق دفاعی متهمان به جرایم فوق‌الذکر محسوب می‌شود. اصل ۱۶۸ ق.ا.ج.ا. مقرر می‌کند «رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی



علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد... حضور وکیل دادگستری؛ در محاکمات مهم و جنایی باید حضور الزامی وکیل دادگستری تضمین شود و هیچ محاکمه‌ای از این نوع بدون حضور وکیل مدافع صورت نگیرد. وکیل نیز وظایف وکالتی و دفاع از موکل را باید در نهایت امانت و صداقت و در اجرای واقعی عدالت و قوانین انجام دهد. استقلال مقام قضاوت از وکالت و مرجع تعیین ایشان که به عنوان دو بال فرشته عدالتند، حق دفاع متهم را به بهترین وجه تضمین می‌نماید. اصل ۳۵ ق. ا. ج. ا. به خوبی مقرر داشته در همه دادگاه‌ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیلی انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد. در رابطه با این امر مصوبه ۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص انتخاب وکیل توسط اصحاب دعاوی نیز به اصحاب دعوی حق انتخاب وکیل داده و کلیه دادگاه‌هایی را که به موجب قانون تعیین شده، مکلف به پذیرش آنان داشته است. تبصره یک مصوبه مجمع اصحاب دعوا، روحانی را به انتخاب وکیل مورد نظر خود در دادگاه ویژه روحانیت از میان روحانیان صالح منتخب مجاز نموده و ضمانت اجرای سلب این حق در تبصره دو آمده که هر گاه به تشخیص دیوان عالی کشور محکمه‌ای حق گرفتن وکیل را از کسی سلب کرده باشد، حکم صادر شده فاقد اعتبار است و برای بار اول به مجازات انتظامی درجه سه و در بار دوم موجب انفصال از شغل قضایی است. تبصره سه نیز وکیل را در موضع دفاع از احترام و تأمین شغلی مقام قضاوت بهره‌مند کرده است. که البته انتخاب وکیل از میان افرادی، خاص دایره اختیارات متهم را محدود می‌سازد.

### قاعده درأ:

ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی: هرگاه جرم یا برخی از شرایط آن یا هر یک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود.

در مورد قاعده درأ باید گفت ماده فوق مهمترین وارزشمندترین تقنین است که بر پایه اصل برائت استوار است که بر اساس آن در صورت عدم کفایت ادله جهت توجه اتهام به اشخاص موجبات برائت آنان را فراهم می‌آورد. در واقع این قاعده بر این امر تأکید می‌کند که تعقیب افراد فقط در جایی مجاز است که دلایل کافی بر علیه ایشان تحصیل شده است و در غیر این صورت افراد از تعقیب معافند. قاعده درأ بیشتر در حدود کاربرد دارد اما قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از نحوه نگارش ماده، و اطلاق لفظ جرم بصورت کلی، لذا جرایم تعزیری را نیز شامل می‌شود.



### حقوق متهم پس از مرحله دادرسی یا اجرای مجازات

در نظام‌های مردم سالار از آنجا که اصل بر مسؤولیت و پاسخگویی کلیه زمامداران و کارگزاران حکومتی می‌باشد، قضات نیز از این قاعده مستثنی نبوده، و در مقابل اعمال خود مسؤول می‌باشند. متهم در این مرحله در صورت محکومیت، حق تجدید نظرخواهی و اعتراض به حکم صادر شده را دارد و در صورت اجرای مجازات، از قاعده منع تعقیب مجدد بهره می‌برد. در صورت براءت متهم از موضوع اتهامی، وی علاوه بر بهره‌مندی از قاعده منع تعقیب مجدد جز در مورد صدور قرار منع تعقیب به علت فقدان ادله که تنها یکبار دیگر با تحصیل دلایل جدید قابل تعقیب می‌باشد، متهم حق جبران خسارت و اعاده حیثیت را نیز دارد. اجرای چنین مقرراتی باعث افزایش احتیاط و دقت قضات در جریان تحقیق و رسیدگی دعوی در جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص است و همچنین به طرفین دعوی و دفاع اطمینان می‌دهد که در صورت تضییع حقوق دادخواهی و دفاع به لحاظ تقصیر یا اشتباه قضات موضوع جبران خسارت پیش‌بینی شده است. مشکل اصلی در جایی است که متهم با رعایت کامل اصول و شرایط قانونی بازداشت شده و سپس براءتش حاصل شده است.

در همین راستا اصل ۱۷۱ با پذیرش مسؤولیت قضات و اعاده حیثیت از متهم مقرر می‌دارد «هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر موضوع خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی شود، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد». در مورد متهمانی که با صدور قرار منع تعقیب، بعد از مدتی از بازداشت رها شده‌اند، برخی از نظام‌های حقوقی صرف صدور قرار مزبور را از موارد جبران خسارت دانسته‌اند و برخی آن را موکول به اثبات براءت فرد دانسته‌اند (ناصرزاده، ۱۳۷۲، ص ۶). بر خلاف اصول فوق، بر اساس ماده ۲۹۸ ق. ا. د. ع. ا. ک متهم می‌تواند به هزینه خود حکم براءت خویش را در جرایم منتشر سازد. این امر موجب تحمیل هزینه‌ای اضافی بر متهمی است که علی‌رغم پیگرد قانونی براءت حاصل نموده است.

### حقوق متهم در اسناد بین الملل

در راستای مطالعه اسناد بین‌الملل از طریق مطالعه کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌ها تلاش می‌شود طی تقسیم‌بندی ذیل به صورت موضوعی به مطالعه برخی حقوق متهم که در این اسناد مورد اشاره قرار گرفته، پرداخته شود. شایان ذکر است که ایران به برخی از این اسناد پیوسته که بر اساس ماده نه قانون مدنی در حکم قوانین عادی می‌باشند. احترام به حیثیت ذاتی افراد؛ متهم حق برخورداری از رفتاری منطبق با حیثیت ذاتی انسان را دارد. در ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است درباره کلیه کسانی که از آزادی خود محروم شده‌اند، باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص انسان رفتار نمود. بر اساس ماده ۱۷ قرارداد ژنو در مورد معامله با اسیران جنگی مصوب ۱۹۴۹م شرافت و حیثیت متهم نباید مورد تعرض غیر



قانونی قرار گیرد. تفهیم اتهام؛ هر متهمی باید از ماهیت جزایی اتهام خود قبل از شروع تحقیقات مطلع گردد تا بدین وسیله بتواند وسایل دفاع مناسب را تهیه نماید. از این حق تحت عنوان حق تفهیم اتهام یاد می‌شود و باید در برگ احضاریه قید گردد. بند ۱ ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی در این مورد عنوان می‌دارد «هر کس دستگیر می‌شود، باید در موقع دستگیری از علت آن مطلع شود و در اسرع وقت اختاریه‌ای دایر بر هر گونه اتهامی که به او نسبت داده می‌شود دریافت دارد». حق همراهی توسط وکیل دادگستری؛ متهم باید حق داشته باشد که به اتفاق یک وکیل نزد مقام تحقیق‌کننده حاضر شود. تحقیقات باید در حضور وکیل به عمل آید و محرمانه تلقی نشود. ماده ۷۲ قرارداد ژنو راجع به حمایت از افراد کشور در حال جنگ ۱۹۴۲م مقرر می‌دارد «هر متهمی حق دارد وسائل استدلال لازم جهت دفاع خود را ابراز دارد؛ از جمله می‌تواند گواه آورد و نیز حق دارد از یک نفر مدافع منتخب خود کمک بگیرد. مدافع مزبور می‌تواند آزادانه با متهم ملاقات نماید و تسهیلات لازم را برای تهیه مدافعات خود دریافت دارد». در ماده ۹۹ قرارداد ژنو در مورد معامله با اسیران جنگی مصوب ۱۹۴۹م نیز آمده است «هیچ اسیر جنگی را نمی‌توان محکوم نمود مگر آنکه وسیله دفاع داشته باشد و یک نفر مدافع صالح با وی همکاری نماید». همچنین بر اساس ماده ۱۰۵ همین معاهده اسیر جنگی حق خواهد داشت توسط کسی از دوستان خود همراهی شود و به وسیله یک وکیل منتخب خود دفاع کند. طبق ماده ۹۳ توصیه‌نامه کنفرانس سازمان ملل متحد درباره حداقل رفتار با زندانیان به منظور مبارزه با جرم و چگونگی رفتار با زندانیان ژنو ۱۹۵۷م به متهم بازداشت شده امکان داده می‌شود که برابر قانون برای خود وکیل مدافع تعیین کند. حق همراهی توسط مترجم؛ علاوه بر حق فوق ماده ۷۲ قرارداد ژنو راجع به حمایت از افراد کشور در حال جنگ ۱۹۴۲م مقرر می‌دارد «هر متهمی چه در موقع بازجویی یا دادرسی در دادگاه یک نفر مترجم خواهد داشت، مگر آنکه خود وی از داشتن آن صرف‌نظر کند. متهم حق عزل یا تعویض مترجم را دارد». در ماده ۱۰۵ قرارداد ژنو در مورد معامله با اسیران جنگی مصوب ۱۹۴۹م نیز آمده است «اسیر جنگی حق خواهد داشت از مترجم بهره‌مند گردد. دولت بازداشت‌کننده مکلف است قبل از دادرسی این حقوق را به وی اطلاع دهد». اصل براءت؛ برخی اسناد فراملی به اصل براءت اشاره نموده‌اند. از جمله بند ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر (بیانیه قاهره) و ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه. ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۳۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مقرر می‌دارد «هر کس که به بزهکاری متهم شده باشد بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوی عمومی که در آن کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد، جرم او قانوناً محرز گردد. بند سه ماده چهارده میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب سازمان ملل متحد و کنوانسیون اروپایی حفظ و حمایت حقوق فرد و آزادی‌های اساسی مورخ ۱۹۵۰م نیز به این امر صراحت دارند. منع شکنجه؛ ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر داشته هیچ کس را نمی‌توان شکنجه کرد یا مورد عقوبت یا روش وحشیانه و غیر انسانی یا اهانت‌آمیز قرار داد. طبق ماده ۱۴ نیز هر کس حق دارد برای گریز از هر گونه شکنجه و فشار به جایی پناهنده شود، نیز می‌تواند در سایر کشورها از پناهندگی





استفاده کند. در موردی که تعقیب واقعاً مبتنی بر جرم عمومی و غیرسیاسی یا رفتارهای مخالف با اصول یا مقاصد ملل متحد باشد، نمی‌توان از این حق استفاده نمود. بر اساس ماده ۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی هیچ کس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه یا مجازاتها یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانی یا تزدیلی قرار داد. مخصوصاً قرار دادن یک شخص تحت آزمایش‌های پزشکی یا علمی بدون رضایت آزادانه او ممنوع است. ماده ۲۰ اعلامیه اسلامی حقوق بشر ۱۴۱۱ هـ نیز دستگیری یا محدود ساختن آزادی یا تبعید یا مجازات هیچ انسانی را جایز نمی‌داند مگر به اقتضای شرع؛ و نباید او را شکنجه بدنی یا روحی کرد یا با او به گونه‌های حقارت‌آمیز یا سخت یا منافی حیثیت انسانی رفتار کرد. ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه هر کس را بیگناه محسوب نموده است مگر کسی که تقصیر او به اثبات برسد. بنابراین اگر بازداشت کسی ضروری تشخیص داده شود، برای تضمین سلامت شخص او، باید از هر گونه اعمال فشار به او که ضروری نباشد، جداً از طرف قانون جلوگیری شود. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۲، میثاق حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۱۷ و اعلامیه اسلامی حقوق بشر در بند ب ماده ۱۸ متفقاً تجاوز به حریم خصوصی افراد از جمله استراق سمع را ممنوع اعلام کرده‌اند. دادرسی فوری؛ بند ۳ ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد «هر کس به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت می‌شود، باید او را در اسرع وقت در محضر دادرسی یا هر مقام دیگری که به موجب قانون، مجاز به اعمال اختیارات قضایی باشد، حاضر نمود و باید در مدت معقولی دادرسی یا آزاد شود. بازداشت اشخاصی که در انتظار دادرسی هستند، نباید قانون کلی باشد؛ لیکن آزادی موقت ممکن است موکول به اخذ تضمین‌هایی بشود که حضور متهم را در جلسه دادرسی و سایر مراحل رسیدگی قضایی و حسب مورد برای اجرای حکم تأمین نماید». همچنین با عنایت به بند ۳ ماده ۴ میثاق، بازداشت اشخاص نباید قاعده کلی شود. بازداشت افراد باید یک استثنا و در حد امکان کوتاه باشد. در صدور قرار بازداشت باید تناسب آن را با اهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام و احتمال فرار متهم و امحای آثار جرم و سابقه متهم و چگونگی مزاج و سن وی رعایت شود. طبق قسمت الف بند دو ماده ده میثاق، بازداشتی قاعداً باید به طور انفرادی نگهداری شود؛ زیرا نگهداری وی با محکومان در یک جا با آموزه‌های جرم‌شناسی و علوم جنایی انطباقی ندارد. تفکیک مقام تحقیق از مقام دادرسی؛ برای دستیابی به یک دادرسی عادلانه فارغ از هر گونه عوامل ناقض بی‌طرفی که مورد تأکید ماده ۶ اعلامیه حقوق بشر اروپایی و بند یک ماده چهارده میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است صورت پذیرد، ایجاب می‌نماید از طریق دادرسی امر تعقیب گردد. در قانون آیین دادرسی کیفری کشورهای فرانسه، ایتالیا و بلژیک اصل تفکیک مقام بازپرس از نهاد تعقیب یعنی دادستان و دادرسی به بهترین نحو پذیرفته شده تا از این طریق حقوق و آزادی‌های متهم در پرتو اصل بی‌طرفی تضمین گردد. اصل تساوی؛ ماده ده اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می‌دارد «هر کس با مساوات کامل حق دارد دعوایش به وسیله دادگاهی مستقل و بی‌طرف و علنی رسیدگی شود و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزام‌های او یا هر اتهام جزایی



که به او توجه کرده باشد، اتخاذ تصمیم نماید». بند ب ماده نوزده اعلامیه اسلامی حقوق بشر (بیانیه قاهره) و ماده چهارده میثاق، نیز با بیانی دیگر بر این حق اشاره نموده‌اند.

بند سه ماده چهارده میثاق مقرر می‌دارد «هر کس متهم به ارتکاب جرمی شود، با تساوی کامل لااقل از تضمین‌های ذیل بهره‌مند خواهد شد:

(الف) در اسرع وقت و به تفصیل به زبانی که او بفهمد از نوع و علل اتهام خود آگاه شود.

(ب) وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاع خود و ارتباط با وکیل منتخب خود را داشته باشد.

(ج) بدون تأخیر غیرموجه در مورد وی قضاوت گردد.

(د) در محاکمه، متهم حاضر شود و شخصاً یا توسط وکیل مدافع از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد، حق داشتن وکیل به وی ابلاغ گردد و در مواردی که مصالح دادگستری اقتضا کند، از طرف دادگاه رأساً برای او وکیل تعیین بشود که در صورت عجز از پرداخت حق الوکاله هزینه‌ای نخواهد داشت. (ه) از شهودی که علیه او شهادت می‌دهند، سؤالی بکنند یا بخواهد که از آنها سؤالاتی بشود و شهودی که له وی شهادت می‌دهند با همان شرایط شهود پیشین شهادت دهند.

(و) اگر زبانی را که در دادگاه به آن تکلم می‌شود، نمی‌فهمد و یا نمی‌تواند به آن تکلم کند از مترجمی مجاناً بهره برد.

(ز) مجبور نشود علیه خود شهادت دهد یا به مجرمیت خود اعتراف کند». حق دفاع؛ جزء د، از بند سه ماده چهارده میثاق اعلام می‌نماید «در محاکمه متهم شخصاً یا توسط وکیل مدافع از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد، حق داشتن وکیل به وی ابلاغ گردد و در مواردی که مصالح دادگستری اقتضا کند، از طرف دادگاه رأساً برای او وکیل تعیین بشود که در صورت عجز از پرداخت حق الوکاله هزینه‌ای نخواهد داشت. بند پنج ماده نه میثاق این حق را شناسایی نموده و بسیاری از کشورها جبران خسارت افرادی را که در بازداشت یا حبس بوده و بعداً بی‌گناه شناخته شده و برائت حاصل کرده‌اند، پذیرفته‌اند. بنابراین حق دفاع از جمله حقوق فطری و ضامن بقاء جامعه انسانی است.

### حقوق متهم با در نظر گرفتن موقعیت اجتماعی

یکی دیگر از نظریاتی که در حقوق متهم مطرح است ضرورت در نظر گرفتن موقعیت اجتماعی افراد در مرحله‌ی اتهام در برخوردی است که با آنها می‌شود. این قاعده اختصاص به مرحله‌ی بازجویی و تحقیقات مقدماتی ندارد، در مرحله‌ی رسیدگی قضایی و در دادگاه هم باید موقعیت اجتماعی افراد در نظر گرفته شود. و اصل مساوات افراد در برابر قانون، اصلی نادرست است. اصلی که ما در شرع داریم، اصل تساوی افراد در قانون است، نه در برابر قانون. اصولاً توجه به شأن و حرمت معنوی افراد، یک مسأله‌ی کلی است و اختصاص به متهم ندارد و این مقدار در قوانین منعکس است که نباید با متهم رفتار تحقیرآمیز انجام شود. این امر منظور نظر ما نیست، وقتی ما از زاویه‌ی حقوق متهمان به این بحث نگاه می‌کنیم، این را به عنوان



یک راهبرد کلی برای اعمال تبعیض مثبت به نفع متهمین برخوردار از موقعیت اجتماعی و افراد دارای شخصیت و محترم در اجتماع لحاظ می‌کنیم. اگر فرصت شد به نظریه‌ی لزوم رسیدگی اتهامات سیاسی در دادگاه‌های خارج از حاکمیت می‌پردازیم.

### دلایل فقهی

ما با نگاه فقهی به این بحث می‌پردازیم. دلایل ما بر این ادعا که باید موقعیت افراد را لحاظ کرد، چیست؟ اگر استاد دانشگاه یا حوزه‌ی علمیه یا یک شخص متنفذ دارای موقعیت اجتماعی یا یک فردی که از جهت اقتصادی محوریت و نفوذ اجتماعی دارد، متهم شوند، نمی‌شود با آنها مثل یک شخص عادی برخورد کرد؛ مثلاً نمی‌توان همان‌گونه که با یک بقال یا راننده‌ی تاکسی برخورد می‌کنیم، با استاد دانشگاه یا شخص دارای موقعیت اجتماعی رفتار کنیم. دستور دین این نیست و باید در رفتاری که می‌شود، تفاوت و تبعیض قائل شد. دلایل شرعی ما برای این ادعا، به این شرح است: در منابع فقهی ما فتوایی وجود دارد که بر اساس آن باید از احضار افراد محترم و دارای موقعیت اجتماعی به دادگاه خودداری شود. مرحوم ابن جنید تعبیر به وجوب کرده است. باید از احضار چنین افرادی به دادگاه خودداری شود. طبق فتوای برخی، اگر قرار است تحقیقات، بازجویی و استنطاقی انجام شود خود مقامات قضایی باید به منزل آنها بروند. یا به فتوای برخی دیگر از فقها، باید خیلی محترمانه به منزل مقامات رسیدگی کننده دعوت شوند و آنجا رسیدگی صورت بگیرد. بعضی از علمای شیعه و سنی این فتوا را مطرح کردند که بر اساس آن احضار افراد دارای شخصیت ممنوع است. به عنوان شاهد مرحوم شیخ در «مبسوط» جلد هشتم، صفحه‌ی ۲۵۷ می‌فرماید «فان كان المدعی علیه» اگر آن کسی که ادعایی بر علیه او شده است (یعنی متهم) «من أهل الصیانات و المروات» فرد محترم و دارای شخصیت است «صانه الحاکم عن البدله» بذله در لغت به معنای لباس‌های کهنه و مندرس است و کنایه از این است که او را از هتک موقعیت اجتماعی صیانت کند. «فلا یحضره مجلس حکمه» او را به مجلس قضاوت احضار نکنند «بل یحضره إلی داره» بلکه او را به خانه‌ی خود دعوت کند «و یجمع بینه و بین خصمه» آن فردی را که ادعا کرده است، مدعی العموم و یا مدعی خصوصی را به آنجا بیاورد «و یقضی بینهما هناک» و همانجا به قضیه رسیدگی کند. مرحوم علامه در «مختلف» جلد هشتم، صفحه‌ی ۴۲۸ این فتوا را نقل می‌کند و دربارهی عبارت این جنید که فتوا به وجوب داده است که نباید شخص محترم را به دادگاه احضار کرد، می‌گوید وقتی که بر علیه رجلی طرح دعوا شد «کان للحاکم ان یسأله عن خصمه» حاکم می‌تواند از شاکی بپرسد «فاذا اخبره بانه بمصر» اگر خبر می‌دهد که او در شهر است «و ان کان المستعدی علیه» اگر آن کسی که بر علیه او ادعا شده است «من اهل الشرف و المحل عند سلطان» یک فرد دارای موقعیت است و در جامعه اعتبار دارد «وجه الحاکم الیه من یرفه الحال» حاکم شخصی را بفرستد و ماجرا را به او خبر بدهد تا خود او حاضر شود «او وکیل له» یا اینکه وکیلی را بفرستد، در ادامه می‌گوید به گونه‌ای دعوا را بین خود متهم و شاکی او ختم کند. این یک نکته بسیار مهم است.



مرحوم نراقی در «مستند الشیعه» می‌فرماید «تلخیص مما ذکر ان فی صورة الحضور فی البلد» اگر متهم در شهر است «ظاهر الاكثر الاتفاق علی الاحضار ولو قبل التحریر، لغیر ذوی الاشراف و ارباب المعاذیر» [۱] غیر از افراد محترمی که عذر دارند. من توضیح خواهم داد که این نظریه مبتنی بر عدالت است، در حالی که ما معکوس آن را برداشت کرده‌ایم. صاحب جواهر در ابتدا در نظر ابن جنید که وجوب را بیان کرده است، تردید می‌کند و بعد می‌گوید «اولی این است که از احضار اینگونه افراد، به ویژه قضات برکنار شده خودداری شود.» قضات برکنار شده چه خصوصیتی دارند؟ جز اینکه آنها اهل مروت و شخصیت هستند و به اعتبار سمت و موقعیت قبلی آنها، یک شخصیت محترم هستند، لذا او را به دادگاه نمی‌آورند تا شخصیت او را لگدمال کنند. این فتوا در جواهر، جلد ۴۰، صفحه ۱۳۴ آمده است. علامه حلی در مسأله‌ی خودداری افراد متهم از حضور در دادگاه و احاله‌ی به وکیل، می‌گوید «علت ناپسندی حضور افراد دارای موقعیت در محکمه این است که شأن این اشخاص برتر از آن است که در این اماکن حاضر شوند و برای آنان سخت است که برای منازعه با دیگران نزد قاضی بروند.» ایشان «دفع چنین مفسده‌ای را از خود در شمار بزرگترین مصالح و منافع می‌دانند و شرع نیز از حفظ و بزرگداشت نفس و دفع شر از آن، منع نکرده است.» این فتوا در چاپ قدیم «تذکره»، جلد ۲، صفحه ۱۹۲ آمده است. علامه این مطلب را در ذیل بحث دیگری و در باب بیع، وقتی که آقایان می‌گویند در مسأله‌ی بیع، خود افراد با شخصیت متصدی نشوند و وکیل بگیرند، مطرح کرده است. شهید ثانی در «مسالک» می‌گوید «اگر متهم عذری دارد که مانع از حضور در دادگاه می‌شود، نباید او را الزام کرد، بلکه باید کسی را پیش او فرستاد.» بعد ایشان عذر را توسعه می‌دهد که یکی از آنها این است که متهم، یک فرد محترم و دارای موقعیت است. مرحوم محقق اردبیلی می‌گوید «وجوب احضار افراد متهم و دارای موقعیت و حتی جواز این عمل (یعنی جایز بودن اینکه شما یک فرد محترمی را احضار کنید و در دادگاه مورد بازجویی قرار دهید) مورد تردید جدی است، مگر اینکه اجماعی وجود داشته باشد.» که در واقع در چنین مواردی اجماعی هم در کار نیست. در ادامه می‌فرماید «چون صرف احضار این افراد به مجلس قاضی و دادگاه، نوعی ضرر و اهانت در حق ایشان محسوب می‌گردد، بنابراین انجام چنین اهانتی بدون آنکه موجبی برای آن باشد، محل تأمل است. اینکه بر اساس ظاهر که یک اماره است، فردی بر علیه متهم اقامه‌ی دعوا کند، موجب نمی‌شود که چنین اهانتی را در حق چنین شخصی روا داشت.» مرحوم سید جواد عاملی در «مصباح» می‌گوید «حق این است که حضور این افراد در دادگاه و نزد قاضی اهانت است.» نظر فاضل سبزواری هم همین است. این فتوا در «مفتاح الکرامه»، جلد ۱۰، صفحه ۵۸ و کفایه‌ی مرحوم سبزواری، صفحه ۴۲۳، در چاپ های سنگی قدیمی آمده است.

در مورد خانم‌های متهمی که استنطاق و بازجویی از آنها لازم است، همه‌ی فقهای شیعه، حتی کسانی که با رأی ابن جنید مخالف هستند، می‌گویند باید تفصیل داد. اگر متهم، زن مخدره‌ای است، نباید به دادگاه احضار شود، اما اگر زن برزه است، می‌توان او را به دادگاه احضار کرد. مرحوم صاحب ریاض می‌گوید



«برزه»، به فتح «ب» و سکون «ر» و فتح «ز»، زنی است که با اینکه عقیقه‌ی عاقله است، ولی به بازار می‌رود و خرید می‌کند و اهل بیرون رفتن است. احضار چنین شخصی به دادگاه اشکالی ندارد. اما اگر زن، مخدره و محترم باشد که اگر بیرون هم می‌رود به همراه همسر یا شخص دیگری می‌رود، نمی‌توان او را به دادگاه احضار کرد. ریشه‌ی این تفسیر درباره‌ی زن مخدره و زن برزه، روایتی است که دو زن متهم به زنا نزد پیامبر (ص) آمدند، یکی از آنها که عامریه بود «فکانت العامریه برزه» زنی بود که موقعیت اجتماعی چندانی نداشت، لذا پیامبر با همین احضار و اقراری که آن زن انجام داد، او را رجم کرد. در ادامه‌ی روایت آمده است که «و الاخری مخدره» زن دوم مخدره بود، لذا پیامبر (ص) به یکی از اصحاب فرمود: «فردا صبح به منزل آن خانم برو و آنجا تحقیق و به این ماجرا رسیدگی کن» [۲] علت این تفسیر، توجه به موقعیت اجتماعی متهم است. در اینجا نکته‌ای را وجود دارد، ممکن است آقایان منابع را ببینند و بگویند بعضی از فقها با این حکم مخالفت کردند و گفتند تفاوتی بین اشخاص محترم و غیر محترم نیست، لذا همه را باید احضار کرد. اگر به منابع مراجعه کنید، متوجه می‌شوید که مخالفت آنها صغروی است، نه کبروی؛ یعنی آنها صرف احضار به دادگاه را متضمن تنقیص و اهانت نمی‌دانند، نه اینکه با فرض تنقیص موقعیت اجتماعی فرد، آن را جایز بدانند. برای مثال شیخ طوسی در مسوط، جلد ۸، صفحه‌ی ۱۵۵ می‌گوید: «احضار افراد دارای موقعیت و مرتبه‌ی اجتماعی، اهانت نسبت به ایشان محسوب نمی‌شود زیرا امیرالمؤمنین (ع) با مرد یهودی در نزد قاضی حاضر شد و عمر خلیفه‌ی مسلمانان همراه با عبید، نزد زید بن ثابت رفت تا قاضی بین آنها حکم کند و منصور دوانیقی که خلیفه بود، همراه با شترداران در محکمه حاضر شد تا نزد قاضی سوگند ادا نماید.» این اشکال در ذهن شیخ طوسی صغروی است و بحث ایشان این است که این کار تنقیص نیست. اشکال ایشان، اشکال صغروی است، نه کبروی. نه اینکه با فرض اینکه این کار سبب تنقیص شود، آن را بپذیرد. مرحوم قاضی ابن براج هم مانند همین تعبیر را دارند و می‌تواند آن را در «مذهب»، جلد ۲، صفحه‌ی ۵۸۴ ببینید. یعنی اشکال صغروی است و نمی‌گویند با فرض اینکه به موقعیت اجتماعی افراد لطمه وارد می‌شود، احضار آنها به دادگاه و تحقیقات مقدماتی و استنطاقشان جایز است. من شواهد دیگر را نمی‌خوانم و به همین موارد اکتفا می‌کنم. پس دلیل اول برای مدعی‌ای ما که اسلام تساوی در رفتار با متهمان را بدون لحاظ موقعیت اجتماعی آنها نمی‌پذیرد، این بود که با توجه به شواهدی که از متون فقهی خواندیم باید موقعیت اجتماعی افراد را لحاظ کرد و شخصیت آنها را در نظر گرفت و قاضی نباید چنین متهمی را احضار کند، بلکه باید به خانه‌ی متهم برود و آنجا از او استنطاق کند، چون او یک فرد عادی نیست؛ مثلاً یک شخصیت علمی است یا یک شخصیت اقتصادی کارآفرین و مولد سرمایه است و یک قطب اقتصادی در کشور است. قبل از اینکه دلیل دوم را بگوییم، نکته‌ای را بیان می‌کنیم. متأسفانه خیلی از افراد غیرمنصفانه حکومت را متهم می‌کنند به اینکه با آزاد اندیشی مقابله می‌کند. من می‌گویم همین اتهام به منتقدین و مخالفین هم وارد است؛ یعنی آنها هم جلوی آزاداندیشی را می‌گیرند، تا یک حرفی زده می‌شود، فوراً به آن صبغه‌ی سیاسی و خارجی می‌دهند. چرا ما نمی‌توانیم در یک فضای علمی



سالم حرف بزنیم، بدون توجه به آنچه که در خارج اتفاق می افتد؟ ما الان بحث فقهی می کنیم و می گوییم ما از شرع این مطلب را فهمیدیم، اصلاً کاری به خارج نداریم. ممکن است شخصی بگوید برداشت شما اشتباه است و درست آن این است و بعد یک شخص دیگری داوری می کند و نظر سومی تولید می شود. علم اینگونه پیشرفت می کند.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



## فهرست منابع و مآخذ

### الف) منابع فارسی

- ۱- امیدی، دکتر جلیل، "دکتر آشوری و حقوق دفاعی متهم" (منتشره در علوم جنایی مجموعه مقالات و بزرگداشت دکتر محمد آشوری)، تهران، سمت، چ ۲، ۱۳۸۳
- ۲- شاملو احمدی، محمد حسن، داسرا و تحقیقات مقدماتی، نشر دادیار، چ ۲، ۱۳۸۳
- ۳- طباطبایی مؤتمنی، دکتر منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ سوم، ۱۳۸۲
- ۴- محمد رضایی، محمد، آزادی از دیدگاه کانت، فصلنامه مفید
- ۵- ناصرزاده، هوشنگ، آیین دادرسی کیفری سلب آزادی تن بازداشت و حبس در حقوق ایران، تهران، دیدار، چ اول، ۱۳۷۳
- ۶- امیدی، دکتر جلیل «حقوق متهم در دادگاه با تکیه بر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مربوط به حقوق بشر»، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، دوره جدید، ش ۲، (شماره پیاپی ۱۷۱)
- ۷- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۸- قانون مجازات اسلامی
- ۹- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
- ۱۰- ماده واحده قانون حقوق شهروندی

### ب) منابع انگلیسی و اینترنتی

- 1- P. H. Partridge , Encyclopedia of London Macmillan Co. Edward New publishers, 1967
- 2- UN. Doc. HRI/ GEN/1 Rev. 1 at 8. Human Rights Committee, General Comment 8)
- 3- African Commission on Human and peoples' Rights, Comm. Nos. 64/92
- 4- UN. Doc. Cc PR/C/51/D/458/1991, "Albert WomahMukong. v. Cameroon.
- 5- Ackutan Cod behalf Banda and amnesty international (on behalf Orton and verachirwa) V. Malawi. Op. cit.
- 6- ACHPR. RPT/10th, Annual Report of the African Commission, 1996-97
- 7- Eur. Court HR.
- 8- Iter –American Commission.
- 9- OEA/Ser/ L/V/II. 49, doc. 9 rev. 1.
- 10- U. N. Doc. supp. No. 40(A/38/40)
- 11-U. N. Doc. CCPR/C/47/D/356/1989.
- 12- Case of fox, Campbell and Hartley V. The united Kingdom. Op. cit.



- 13- Body of principles for the protection of au persons under any from of Detention or imprisonment. Op. cit.
- 14- Doc. Sent by Amnesty Inter nation public tion, 1987.
- 15- Eur Court IIR.
- 16- The Inter national Criminal Tribunal.
- 17- Human Rights Committee. General comment 20.

۱۸- اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه ۲۶ اوت ۱۷۸۹

۱۹- اعلامیه جهانی حقوق بشر

۲۰- میثاق حقوق مدنی و سیاسی مجمع عمومی سازمان ملل متحد ۱۹۶۶

۲۱- اساسنامه دیوان بین‌المللی یوگسلاوی سابق - اساسنامه دیوان بین‌المللی رواندا



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی